

پژوهش همراه با تامل و مکث است.

آدمها باید پژوهشگر باشند بعد بیابند در کار اجرایی تا این فکر، خطرناک نشود. وقتی فرد با منطق قرآنی بالا بیاید صحنه‌شناس می‌شود.

• لزوم قدرشناسی موقعیت

گاهی طی عملیات شرايطی حاکم می‌شود که در آن تعداد سَمَتها بیشتر از تعداد نفرات است طوری که ممکن است مسئولیتی تخصصی مثل تیربار را به یک فرد عادی بدهند. در این شرایط نه تنها وقوع فتح بعید نیست، بلکه در تجربه دفاع مقدس به ما ثابت شد که امکان هم دارد، با اینکه هم نیروها کم هستند، هم تخصص افراد! بعضی وقت‌ها شرایط جامعه ویژگی‌هایی را رقم می‌زند که یک سری افراد که تاکنون مطرح نبودند، مطرح می‌شوند. نه به خاطر خودشان، بلکه به خاطر هدفی که بناست تحقق پیدا کند. این آدم‌ها اگر باهوش باشند، شرایط را که شناختند از این شرایط استفاده می‌کنند. اینکه یک مرتبه برای مادر حوزه‌های قرآنی توفیق ورود به پژوهش پیدا می‌شود، ممکن است که به خاطر سنجیت ما با این موضوع نباشد، به خاطر نیازی باشد که جامعه به این موضوع دارد، به خاطر عملیات‌های مکرری که باید انجام شود و نفراش یا شهید شده‌اند یا نیستند. بنابراین قرعه به نام عده‌ای افتاده و آن عده ماییم. به همین نسبت اگر آدم از این فرصت استفاده کند، خیلی زودتر به نتیجه می‌رسد، چون یک نفخه رحمانی پشت این قضیه وجود دارد و به خاطر آن او جلو می‌رود، نه به خاطر خودش. تصور من از شرایط فعلی اینگونه است و فکر می‌کنم خیلی از توفیقاتی که ما پیدا کردیم به خاطر این نفخه بوده نه به خاطر توان ما. جریانی باید در عالم راه می افتاده و حقایقی مطرح می شده، یک عده دارند انجامش می دهند ولو اینکه فکر می‌کنند خودشان انجام می‌دهند، این فکر را نکنند، کسی فکر نکند خودش دارد این کار را انجام می‌دهد. بنابراین حالا که قرار است به طور جدی وارد کار شویم، سعی کنیم که از خودمان در بیاییم. احساس کنیم ما متعلق به جامعه‌ایم. متعلق به یک نسلیم. متعلق به یک عقبه‌ایم. همه شهدا از صدر اسلام تا الان تمام زحماتشان را کشیدند و همه اماناتشان را دادند به ما که ما بتوانیم پیامشان را به بقیه منتقل کنیم. ما وارث خون شهداییم، حس کنیم می‌توانیم پیام شهدا را به دیگران انتقال دهیم. ما احتیاج به نیروهایی داریم که بتوانند از حقایق انقلاب و نظام و جمهوری اسلامی و حرکتی که امام معماریش را برعهده گرفت، صیانت کنند. اگر یک عده این کار را نکنند، چند سال دیگر مسیر انقلاب تحریف خواهد شد. اگر اندک افرادی هم در این سیستم لطمه ببینند، در برابر هدفی که داریم هیچ است. مثل جنگ است. فرمانده باید دل این را که به اردوی دشمن بزند

بعضی وقت‌ها شرایط جامعه ویژگی‌هایی را رقم می‌زند که یک سری افراد که تاکنون مطرح نبودند، مطرح می‌شوند. نه به خاطر خودشان، بلکه به خاطر هدفی که بناست تحقق پیدا کند.

و چندین نفر از نیروهایش شهید شوند، داشته باشد.

ممکن است ما ۵۰۰ ساعت هم برای کاری وقت بگذاریم وبعد از آن بفهمیم که اهل آن کار نبوده‌ایم. قبلش هم نمی‌شد بفهمیم. ممکن است اگر این کار به دست ما انجام شود، غرور و عُجب ما را بگیرد؛ و چون خدا این را نمی‌خواهد، جلویمان را می‌گیرد. خدا را شکر که خدا گاهی جلوی ما را می‌گیرد تا کار خدایی باشد. موفقیت در این جریان در صورتی است که عزمی جدی در کارمان باشد. برای هر کاری به قدر لیاقت کار، زمان و نیرو صرف کنیم و بعد هم اگر شد، شد؛ اگر هم نشد، نشده است. به نام ما شد یا نشد برایمان فرقی نکند.

• ساختار فعالیت های مجاهدانه

اگر به ضرورت کاری رسیدیم باید پشتش را بگیریم، مثل کوه اُحد. پشت تنگه بایستیم و شک هم نکنیم که چه کسی گفته که ما باید اینجا باشیم. این حرکت، حرکت انبیاست و هرکس به واسطه ایمانش به این حرکت وصل می‌شود حتی اگر در مجموعه ما هم

نباشد. بنابراین لازم است توهم جا ماندن از جریان را نداشته باشیم. وقتی در حوزه‌های داخلی و خارجی نگاه می‌کنیم و مظلومیت قرآن، شیعه، انقلاب و امام خمینی(ع) را می‌بینیم، باید به فکر کاری بیفتیم و با هم جمع شویم. ما با هرکسی که چنین دغدغه ای دارد، همراه هستیم. هرکتابی که اینجا نوشته می‌شود، کتاب همه است. جریان ایمان یعنی همین: ایمان حاکم است نه افراد. برای چنین اهدافی باید نگاه بلند و حس مبارزه داشت، اگر کار در توان خودم نبود، دنبال کسی می‌گردم که آن را انجام دهد و کمکش می‌کنم، برایش جای هم می‌آورم، چه فرقی می‌کند چه کسی انجام دهد؟ نباید برای درست کردن رزومه کار کنیم! هرکاری یک «از» دارد و یک «تا». کاری را قبول کنیم که از و تای آن را می‌دانیم. اغلب برنامه‌های ما اینطور است که چندین کار داریم همه هم موازی هم هستند و همه نیمه کاره. یک دفعه لازم است خود را جریمه کنیم و کارهای نیمه تمام را تمام کنیم. با این روند در ادامه سعی می‌کنیم درست انتخاب کنیم.

اغلب برنامه‌های ما اینطور است که چندین کار داریم همه هم موازی هم هستند و همه نیمه کاره. یک دفعه لازم است خود را جریمه کنیم و کارهای نیمه تمام را تمام کنیم. با این روند در ادامه سعی می‌کنیم درست انتخاب کنیم.

در ضمن کاری که زودتر به نتیجه می‌رسد، به طور طبیعی و در طبعش در اولویت است. کاری که غیر از شما نمی تواند کسی انجام دهد، در طبعش برای شما در اولویت است. خیلی از شما خیلی کارها را می‌توانید بکنید، ولی چون فکر می‌کنید سطحش پایین است، انجام نمی‌دهید. مثلا ویراستاری کتاب‌های مدرسه. ویراستاری نیاز به حوصله دارد، باید چندین بار بخواند. جمع باید بداند در مجموعه چه کارهایی هست، خوش آن‌ها را انجام دهد. سیستم ما اینطور نیست که از افراد خواهش کنیم که بیایید این کارها را انجام دهید، چون اعتقاد داریم مجموعه مال همه است و اگر تعیین نفرات و مسئولیت کنیم، از حالت مال همه بودن خارج می‌شود. ترجیح می‌دهیم افراد به صورت خودجوش کار انجام دهند.

• بایدها و نبایدهای ساختاری در مجموعه

مجموعه نباید وابسته به شخص شود. اگر به این سمت رفت، یک انحراف ساختاری رخ داده است. باید رسانه‌ای داشته باشد که این رسانه حکم پمپاژ فکری را داشته باشد، نیازها این است و این جزء نقشه کار مجموعه است. مجموعه باید طوری باشد که اگر رأس آن قیچی شد، همچنان به کارش ادامه دهد.

برای اینکه یک مجموعه بتواند جلو برود، باید در آن ولایت‌پذیری وجود داشته باشد. ما زمانی فرماندهی داشتیم که ما را می برد کوه، قمقمه آب هم به ما می‌داد، چهار ساعت پیاده‌روی می‌کردیم و می‌گفت حق ندارید به این قمقمه حتی نگاه کنید و ما نگاه نمی‌کردیم. می‌پذیرفتیم که فرمانده است و باید حرفش را گوش دهیم. به عبارت دیگر همه داریم قرآن می‌خوانیم اما قرآن خواندگان حکم جهاد ندارد. موضوع شهادت برای جمع ما به عنوان اولویت اول تعریف نشده است، اما می‌شود گفت که مجموعه ما به این روحیه نزدیک است. برای این کار لازم است همه افراد نگاهی جهادی داشته باشیم، طراحی عملیات داشته باشیم و از آن مهم‌تر انگیزه جهاد را در خود تقویت کنیم. با این فکر که باید جنگی بار بیاییم آماده این نوع تربیت شویم.

شهادت‌طلبی یعنی فرد احساس کند هرکاری که انجام می‌دهد، باید افق جهانی داشته باشد، افق مراقبت از انقلاب داشته باشد. یعنی سریع کار را انجام دهید، توزیع کنید و به مرحله عملیات برسانید. مجموعه لازم است شروع کند به «عرصه‌سازی» و «صحنه سازی». هرکس با هر کاری که دارد، سعی کند کارهای نیمه تمامش را تمام کند و دوباره کارهای جدید شروع کند و آن‌ها را تمام کند.

مدیر مسئول: فاطمه قنبریان

هیأت تحریریّه: دانشجویان مدرسه قرآن و عترت علیهم‌السلام (کاشفیون)



پنجشنبه ۲۲ اسفند ۱۳۹۲	۲ هفتۀ نامۀ فرهنگ، خبری
۱۱ جمادی الاول ۱۴۳۵	مدرسهٔ دانشجوی قرآن و عترت
شماره ۷۶	دانشگاه تهران
www.ekashef.ir	info@ekashef.ir
www.QuranEtratSchool.ir	
سال سوم	



قال النبی (ع):

الْعِلْمُ خَلِيلُ الْمُؤْمِنِ وَ الْحِلْمُ وَزِيرُهُ وَ الْعَقْلُ دَلِيلُهُ وَ الصَّبْرُ أَمِيرُ جُنُودِهِ وَ الرَّفْقُ وَاللَّيْذَةُ وَ الْبِرُّ أَخُوهُ وَ النَّسَبُ آدَمُ وَ الْحَسَبُ التَّقْوَى وَ الْمُرُوءَةُ إِصْلَاحُ الْمَالِ.

دانش دوست مؤمن است، و بردباری وزیرش، و عقل راهنمایش، و صبر فرمانده سپاه او، و سازگاری و نرمش پدرش، و نیکوکاری بردارش، و نژاد همه از آدم است، و افتخار و اصالت هر کس پرهیزکاری اوست و مردانگی به اصلاح مال است.

تحف العقول/ ترجمه جعفری: ص ۴۷



صاحب امتیاز: احمدرضا اخوت

سر دبیر: نعیمه پورصالحی

کالیت هفت‌ه نامۀ فرهنگی، خیری مدرسهٔ دانشجویی قرآن و عترت دانشگاه تهران

پنجشنبه ۲۲ اسفند ۱۳۹۲
سال سوم
شماره ۱۱ جمادی الاول ۱۴۳۵

به نام ســــــــــــــــلام

جمع توحیدی صبور است

به نظم می‌رسد نزدیک‌ترین کلمه‌ای که روح «استقامت تا رسیدن به غایت مطلوب» در آن نهفته است، کلمه «صبر» است. صبر کلمه ملموسی است برای همه ما، مخصوصاً آن‌ها که به نتیجه‌رساندن کارها عادتشان است. اغلب تصور می‌کنیم صبر یک کلمه عمومی و یک رفتار یکسان در هر کار است؛ اما حقیقت این است که هر کاری صبر خاص خودش را می‌طلبد. احتمالاً خیلی‌ها مثل من انواع صبر را این‌طور شنیده‌ایم: صبر بر طاعت، معصیت و مصیبت. اما حتی تلاش برای بندگی خداوند هم سطوح مختلفی از صبر را می‌طلبد. وقتی انسان می‌خواهد خیال کند و با خیالاتش نگاهی ادبی به هستی داشته باشد، یک طور صبر می‌خواهد؛ وقتی

گردان نامـــــــــــــــــه

شهید می‌شویم
قربة الے الله

از گردان حضرت ابراهیم (علیه السلام)

ما می‌بینیم و می‌شنویم، آنها هم می‌بینند و می‌شنوند. ما تلاش می‌کنیم و نماز می‌خوانیم و می‌خوریم و می‌نوشیم و قرآن می‌خوانیم، آنها قیام می‌کنند...

ما تلاش می‌کنیم و نماز می‌خوانیم و می‌خوریم و می‌نوشیم و قرآن می‌خوانیم، آنها جهاد می‌کنند...

ما تلاش می‌کنیم و نماز می‌خوانیم و می‌خوریم و می‌نوشیم و قرآن می‌خوانیم، آنها شهید می‌شوند...

آنها همان می‌کنند که ما، اما هر فعلی که از آنها سر می‌زند جزئی از برنامه‌ای است که قرار است از آنها عبد بسازد، عبدی که افقش لقاء الله و جاودانگی در زیر سایه قرب الهی

پشت پنجــــــــــــــــره

انس بے تکلف با قرآن

از کلاس ختم مفهومی سه‌شنبه‌ها، استاد پیت‌چیان

یکی از مشکلات زندگی ما این است که نوعاً یک روش قرآن خواندن بیشتر نمی‌دانیم که آن هم به این صورت است که گاهی زمان خالی پیدا می‌کنیم، وضو می‌گیریم و رو به قبله، به خواندن قرآن می‌پردازیم که در همین حین، مشکلی یا گرفتاری یا کاری پیش می‌آید. به طور کلی یک تعریف بیشتر از قرآن خواندن نداریم که همین ارتباط ما را با قرآن محدود کرده است.

در این بین روش‌های زیادی برای ارتباط با قرآن وجود دارد:

۱- یک روش آن است که هر روز صبح یک آیه را بخوانیم

ما قرآن می‌خوانیم، آنها هم قرآن می‌خوانند.

ما تلاش می‌کنیم، آنها هم تلاش می‌کنند.

ما نماز می‌خوانیم، آنها هم نماز می‌خوانند.

ما می‌خوریم و می‌نوشیم، آنها هم می‌خورند و می‌نوشند.

می‌خواهد جهاد علمی داشته باشد، یک نوع دیگر صبوری می‌خواهد، وقتی می‌خواهد مقاله یا یک کتاب بنویسد، نوع صبر آن متفاوت از همه صبرها است و وقتی می‌خواهد برنامه‌ای را اجرا کند، نوع دیگری از صبر را تجربه می‌کند. حتی صبر فردی و جمعی نیز با هم تفاوت دارد.

صبر از آن روحیه هاست که اکتساب می شود، مهارتی است که با دیدن و شنیدن انسان‌های صبور در فرد نصب می‌شود، صفتی است که با تمرین در جان انسان نهادینه می شود، سرمایه‌ای ارزشمند است که مسیر بلوغ فردی و جمعی را پیمودنی می‌کند. این در حالی است که نوعاً از صبر کنار آمدن و نرمی و تحمل کردن را متصوریم؛ در حالی که صبر از یک انسان عادی، انسانی مجاهد می‌سازد. مجاهدتی که خوب می‌داند در هر فراز و نشیبی از خود چه نوع انعطافی نشان دهد تا تیزی سرایشیی‌ها او را از مسیر خارج نکند و او را از غایتش منحرف نسازد.

باورم دارم صبر جمعی روحیه‌ای است که در سایه ایمان نفرات آن بارور می‌شود. هر قدر افراد یک جمع به غایت و افق نگاهشان ایمان بیشتری داشته باشند، در این راه از خود صبر بیشتری نشان می‌دهند. وجود صبر در یک جمع از نشانه‌های حُسن آن جمع است. صبر است که جمع را زیبا می‌کند، جهادش را زیبا می‌کند، حرکت اصلیش را ماندنی می‌کند.

وقتی افق نگاه یک جمع توحیدی این باشد که توحید بر قلب همه انسان‌ها حکومت کند، می‌توان گفت این باشکوه‌ترین افقی است که صبر در مسیرش را می‌شود به موحدين توصیه کرد. بنابراین من به توصیه سوره عصر، خودم و همه همسنگرانم را از گذشته تا آینده توصیه به صبر می‌کنم، صبری که در هر کاری برانزده آن کار است. صبری که بیش از هر جمعی برانزده جمعی توحیدی است، جمعی که قرآن و قاری قرآن بر آن حکومت می‌کند.

است. این یعنی با هر مانعی در مسیر این برنامه سر جنگ داشتن. این جنگ که در خط مقدم زندگی تکتک ما جریان دارد، سرباز و فرمانده آماده به خدمت می‌خواهد، سرباز و فرمانده جان بر کف، سرباز و فرماندهی که ایمان داشته باشد شهادت نزدیک‌ترین راه برای رسیدن است. داشتن چنین روحیه شهادت طلبانه‌ای در میدان جنگ زندگی، هر فعل و عملی را مقدس می‌کند، ابزاری برای رسیدن. چنین نگاهی حتی خوردن و آشامیدن را جهادی می‌کند و فعلی که جهادی باشد، فاعلش را شهید می‌کند...

آنها، شهادت برایشان یعنی نزدیک‌ترین مسیر برای محقق ساختن هدف. یعنی عبد بودن در سایه قرب الهی. این همان رازی است که باعث می‌شود هر عملی حتی کوچک‌ترین و معمولی‌ترینش، وقتی از آن‌ها اِبراز شود، چون جهاد و پیکاری باشد که از آن‌ها شهید می‌سازد. وقتی شهادت‌طلبانه قرآن بخوانیم، هر عملی برایمان به معنای جهاد است. عمل کوچک، حقیر و بی‌اهمیت و روزمره نمی شود، و عمل بزرگ، ترس ندارد. نشد ندارد. هر وقت شهادت‌طلبانه قرآن بخوانیم، بیکار نمی‌مانیم. به دنبال عملی می‌گردیم تا آن را تبدیل کنیم به جهادی الهی.

۳- در هنگام خستگی می‌توان سوره‌ای را که قبلا خوانده‌ایم، انتخاب کرده و با ذهنیتی که از سوره داریم، به لمس آیات آن پردازیم و اگر ذهنیتی نداریم آیه اول را

خوانده در آن تأمل کنیم و سپس با توجه به آن آیه سایر سوره را لمس کنیم.
۴- در صورتی که مایل به ختم قرآن هستیم، ولی زمانی محدود برای انجام این کار داریم، می‌توانیم آیه اول تمام سوره‌ها را خوانده و با این کار با اسم سوره‌ها وآیه اول آن‌ها آشنا شویم.

بنابراین درست است که قرآن یک کتاب است؛ اما اگر باور داشته باشیم که زنده است و کنار ماست، راحت

کالیت هفت‌ه نامۀ فرهنگی، خیری مدرسهٔ دانشجویی قرآن و عترت دانشگاه تهران

پنجشنبه ۲۲ اسفند ۱۳۹۲
سال سوم
شماره ۱۱ جمادی الاول ۱۴۳۵

می‌رویم سراغش، بنا را می‌گذاریم بر دوست شدن با او و مأنوس شدن با کلامش، این‌گونه که با خود همراهش می‌کنیم، قرآن شخصی برای خود تدارک می‌بینم، برخی جاهایش را که برایمان جذاب بوده را با رنگ‌های مشخص برجسته می‌کنیم، با او حرف می‌زنیم، نمازهایمان را معطر به سوره‌های مختلفش می‌کنیم، موقع بیداری

گردان نامـــــــــــــــــه

ظرفیت شناســـــــــــــــــه

از کلام استاد اخوت

در گردان مالک و سلمان

• **مختصات مجموعه مادر**

میان سایر مجموعه‌ها

یکی از نقطه ضعف‌های جمع ما این است که از مختصات کارمان در میان

سایر مجموعه‌های قرآنی اطلاعی نداریم و این باعث می‌شود که دچار یأس یا کم‌انگیزگی شویم. شاید مواجه شده باشید با کسانی که که در حوزه‌های علوم انسانی، خصوصاً زمانی که قصد رسیدن به استنباط دارند و می‌خواهند تولید علم کنند، مسیرهایی را طی می‌کنند که حدود بیست سال طول می‌کشد تا به حوزه استنباط برسند و این مدت زمان برای فرد خیلی طبیعی است. او اول باید منطق و فلسفه و اصول و ... را بخواند و تا سرجمع حدود بیست سال وقت نگذارد و این مسیر را طی نکنند، اجازه ورود به استنباط به او داده نمی‌شود. در دانشگاه‌ها هم می‌بینیم که حوزه‌های مختلف را خرد می‌کنند و یک موضوع خیلی جزئی را می‌دهند به یک دانشجوی دکتری در آن رشته، کسی که حداقل ده دوازده سال تلاش کرده تا بتواند یک موضوع جزئی را استنباط کند و تازه نه هر استنباطی، باید دیگران آن را تایید کرده باشند. در این بین به نظر شما اگر کسی شروع کند به قرآن خواندن، چند سال طول می‌کشد تا به استنباط برسد؟ پاسخ این است: کوتاه‌ترین زمانی که ذهن می‌تواند برایش تصور کند؛ یعنی یک دهم یا یک بیستم مسیر دیگران (به طهارت فرد بستگی دارد). در این صورت اگر به کسی گفته شود ۶۰۵ سال قرآن بخواند، نمی‌گوید من سرمایه عمرم را از دست دادم، ﴿يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَالًا لُبَدًا﴾ به زبانش نمی‌آید.

• **ترسیم چشم انداز کارهایی که داریم انجام می‌دهیم**

ما به این نتیجه رسیدیم که فضای قرآنی احتیاج دارد به اینکه همه کارهایی که تا الان انجام شده، جمع بشود. این کار را انجام دادیم، در عین حال نواقص آن‌ها را هم برطرف کردیم و در نهایت رسیدیم به طرح تدبر در قرآن. بحث اولیه ما «تولید علم» بود، در حالی که الان بحث ما «نظام سازی» است. یعنی بتوانیم نظام‌های حاکم بر علم و بر زندگی را تغییر دهیم. اینکه فقط از قرآن تولید علم داشته باشیم برای ظرفیتی که در قرآن موجود است، خیلی پایین است. با قرآن می‌شود عالم را اداره کرد.

• **پیش‌نیازهای ورود به قرآن**

ورود به محتوای قرآن به سه شرط اولیه نیاز دارد: ۱- روش ۲- انس ۳- طهارت. اگر هر کدام از این سه زمینه نقص داشته باشد، قرآن به ساختار نظام‌سازانه وارد نمی‌شود. نمی‌شود گفت چون قرآن ﴿تَبَيَّنَ لِكُلِّ شَيْءٍ﴾ است، پس خودش نظام‌سازی می‌کند! فردی که با قرآن مواجه می‌شود باید بتواند از قرآن استفاده کند. این سه پیش زمینه همراه با هم هستند و اگر از هم جدا شوند، کار ابتر می‌ماند.

قرآن کتابی نیست که مؤمنین و علما نسبت به آن اهمال داشته باشند. در این ۱۴۰۰

به او سلام می‌دهیم، شب در محضر او خود را محاسبه می‌کنیم، قبل از خواب از او اذن می‌گیریم. گاهی وقت‌ها هوای بسم الله سوره‌ها به سرمان می‌زند، گاهی انتهایی‌ترین آیات هر سوره، گاهی هوایم، گاهی حامدات و گاهی هم مسبحات. حتی نام فرزندان را هم به قرآن می‌سپاریم که برایمان انتخاب کند.

گردان نامـــــــــــــــــه

ظرفیت شناســـــــــــــــــه

از کلام استاد اخوت

در گردان مالک و سلمان

فاطمه فزینگر

پنجشنبه ۲۲ اسفند ۱۳۹۲
سال سوم
شماره ۱۱ جمادی الاول ۱۴۳۵

پنجشنبه ۲۲ اسفند ۱۳۹۲
سال سوم
شماره ۱۱ جمادی الاول ۱۴۳۵

با این وجود برای ارتباط با قرآن و استفاده از آن می‌توان به صورت خلاقانه و مبتکرانه از انواع روش‌های متفاوت استفاده نمود و با آن انس برقرار کرد همانطور که در شب امتحان به هرروشی برای فهم جزوات و استفاده از آنها متوسل می‌شویم.

۱۱ جمادی الاول ۱۴۳۵

۲۲ اسفند ۱۳۹۲

سال از آن دفاع‌های زیادی شده است. شاید بتوان گفت در دوره‌های قبلی بیش از الان قرآن در زندگی انسان‌ها مطرح بوده است طوری که در اغلب خانه‌ها کتابت قرآن انجام می‌شد. با این وجود این سوال پیش می‌آید که چرا استفاده به این نحوی که مطرح کردیم از قرآن نشده است؟ علت در همین سه پیش زمینه است، در واقع یکی از این سه مورد ناقص بوده است. این موضوعی است که دانشمندان جدید به ما آن اذعان دارند. خصوصاً بحث روش را به عنوان یکی از موضوعات پایه در فهم هر متن تلقی می‌کنند.

• **ما و پیش‌نیازهای ورود به قرآن**

ما ادعا نداریم که در این سه بخش موفق بودیم. اتفاقاً یکی از نقص‌های جدی در بین افراد مجموعه ما به همین موضوع برمی‌گردد. برای مثال فرد روش‌ها را مسلط است، اما از انس کافی برخوردار نیست؛ یا هم روش دارد و هم انس، اما طهارت کافی ندارد. یک ایراد چهارم هم وجود دارد که ما در بررسی‌هایمان متوجه شدیم، اینکه موضوع روش‌ها احتیاج دارد به فعالیت فکری و تقویت قوای تفکری. اغلب ما قوه تفکرمان ضعیف است، چون روی بحث تفکر کار نکردیم و در ساختار ما جای انواع تفکر خالی است، برای همین هرچه سعی می‌کنیم روش را فعال کنیم، نمی‌شود و فرد در اجرای روش گیر می‌افتد، چون پیش نیاز آن تفکر است.

در حوزه طهارت و انس هم یک خلأ حاشیه‌ای و پس زمینه‌ای مشاهده کردیم و آن این است که سطح و افق فرد برای قرآن خواندن محدود است. وقتی فرد با سطح محدود قرآن بخواند، در سطح محدود هم برداشت می‌کند. اما وقتی بنای کسی تشکیل حکومت جهانی باشد، قرآن را برای حکومت جهانی

می‌خواند. به همین علت است که فرد نمی‌تواند بلند فکر کند.

بنابراین انس، روش، طهارت، تفکر و افق و چشم‌انداز مواردی است که لازم است برای مراجعه به قرآن به آن توجه داشت.

• **نگاه ما به فضا و فعالیت پژوهشی**

عملیات‌های پژوهشی قرآنی در حکم عملیات‌های علیه دشمن است و از اولویت‌های اول نظام است. برای فعالیت در این عرصه لازم است افراد به توان خودشان نگاه نکنند. البته وظیفه ماست که کار را استاندارد انجام دهیم، اما باید این را در نظر داشت که ممکن است علی‌رغم تلاش فراوان، خودمان نتوانیم این کار را به ثمر برسانیم. مهم ایمان قوی نسبت به این وضعیت و این کار است و اینکه ما در عین اینکه باید کارمان را انجام دهیم، کارهای نیستیم. این عامل موفقیت است. فکر می‌کنم اگر اینها جزء برنامه ما نباشد، بعداً با مشکل مواجه می‌شویم. لازم است با این مورد راحت برخورد کنیم. اگر کار به نتیجه رسید، آن را به خودمان منسوب ندانیم. اگر هم نرسید، ناراحت نباشیم.

اغلب فکر می‌کنیم و انتظار داریم که یک پژوهش باید با ۵۰ ساعت کار به نتیجه برسد. در حالی که عرف یک پژوهش که بفهمیم می‌شود یا نمی‌شود، هزار ساعت است. بعضی وقت‌ها برای پژوهش یک موضوع در قرآن، اول باید خود موضوع چند پله را طی کند و تجزیه و تحلیل شود تا بعد وارد حوزه قرآن شود، در کنار آن عربی هم باید بدانیم، توان استفاده از روایات را هم باید داشته باشیم.

حوزه پژوهش باید همراه با مکث باشد باید بر قلب فرد نازل شود، این یک وضعیت دوگانه است از یک طرف ضرورت است و سرعت باید باشد و از یک طرف ماهیت